

## مبانی حقوقی مقابله با ریزگردها

حمید رشیدی<sup>۱</sup>، شیما رشیدی<sup>۲</sup>

### چکیده

پدیده ی گرد و غبار (ریزگردها) یکی از بزرگ ترین چالش های زیست محیطی عصر حاضر در مناطق خشک و نیمه خشک است. در سال ۱۳۸۶، خوزستان نخستین طوفان های گرد و غبار را تجربه نمود. این پدیده تاکنون و به طور متناوب در حال گسترش است. به طوری که نیمی از کشور را فرا گرفته و اثرات مضرى بر محیط زیست، سلامت و اقتصاد جامعه و تغییر اقلیم دارد. دولت ایران در سال ۱۳۸۶ آیین نامه ی آمادگی و مقابله با آثار زیان بار پدیده ی گرد و غبار (ریزگردها) را تصویب نمود. از منطوق ماده ی ۹ این آیین نامه این گونه استنباط می شود که علت حدوث گرد و غبار در جنوب و غرب ایران در سال های اخیر قطع حقابه ی طبیعی تالاب های این مناطق بوده است. در این مقاله کوشش شده است که با روش توصیفی - تحلیلی مبانی حقوقی مقابله با ریزگردها مورد تحلیل قرار گیرد؛ و در برآیند کلی، راه کارهای مناسب نیز ارائه گردد.

**واژگان کلیدی:** ریزگرد، رودخانه، تالاب ها، حقابه، بنای عقلا، حقوق محیط زیست، حقوق بین الملل تالاب ها.

### مقدمه

از عنوان آیین نامه ی آمادگی و مقابله با آثار زیان بار پدیده ی گرد و غبار (ریزگرد) در کشور موضوع مصوبه ی شماره ی ۹۳۱۰۶/ت۹۴۰۴۱۹ هـ - ۱۳۸۸/۵/۶ هیأت وزیران و نیز از مفاد و مفهوم و منطوق ماده ی ۹ آن که مقرر می دارد: «وزارت نیرو موظف است حقابه ی تالاب های جنوب و غرب کشور که توسط کارگروه مشترک سازمان حفاظت محیط زیست و وزارت یادشده تعیین شده است را حفظ و همکاری لازم جهت حفاظت و احیای تالاب های یادشده را به عمل آورد و نتایج آن را به طور منظم به کارگروه ارائه نماید.» این گونه استنباط می شود که علت پدیده ی گرد و غبار (ریزگرد) در کشور ایران و بخشی از کشور های همسایه؛ کاسته شدن یا قطع متناوب حقابه ی تالاب ها بوده است. از این رو؛ ضرورت و مصلحت عقلایی ایجاب می کند که برای اعاده ی وضع سابق و دفع ضرر، دولت اقدامات لازم را جهت تأمین حقابه ی تالاب ها در ایران معمول دارد. به نظر می رسد علل قطع متناوب و یا کم شدن حقابه ی تالاب ها در ایران و عراق و دیگر همسایگان غربی؛ سد سازی های متعددی است که بر رودخانه های دجله و فرات و کارون صورت گرفته است. زیرا حبس آب در پشت سدها سبب می گردد؛ آب، کنترل شده و کمی

---

<sup>۱</sup> کارشناس ارشد حقوق خصوصی، مدرس دوره های حقوق آب و مدیر دفتر دعاوی سازمان آب و برق خوزستان hamidrashidi1340@yahoo.com

<sup>۲</sup> دانشجوی کارشناس ارشد آلودگی های محیط زیست، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات یزد. Shima.rashidi @ymail.com

در رودخانه‌ها جاری گردد. همچنین انتقال آب بین حوضه‌ای در ایران و سایر کشورها نیز مزید بر علت است. و آنگهی، افزایش بی‌رویه‌ی جمعیت، کمبود باران، خشک‌سالی، اتلاف ذخیره‌ی آبی و بهره‌برداری بی‌رویه از آب‌های زیر‌زمینی، جنگل‌ها و مراتع، گسترش دیمکاری، توسعه‌ی بی‌رویه‌ی مناطق شهری و مانند اینها در ایران سبب رشد بیابان‌زایی و پدیده‌ی گرد و غبار شده است. لذا مجموع این عوامل دست در دست هم داده و این پدیده‌ی نامیمون در منطقه را به وجود آورده است. دانشمندان و عقلای جهان دریافته‌اند که دو علت سبب بروز این پدیده شده و در حال گسترش می‌باشد؛ به طوری که خطر انقراض بسیاری از جانداران و گونه‌های مختلف و حتی خطر انقراض نوع انسان را هشدار می‌دهد؛ **علت اول**؛ تغییرات آب و هواست و آن به تغییرات طبیعی اطلاق می‌شود که در دوره‌های زمانی مختلف، در تاریخ کره‌ی زمین پدید می‌آید و آن نیز نتیجه‌ی قبض و بسط مشیت الهی است (... وَاللَّهُ يَفْبِضُ وَيَبْسُطُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ: قرآن، بقره، آیه ۲۴۵). زیرا **قانون طبیعی و تکوینی قبض و بسط** در سراسر جهان، موجودات و منابع آب به صورت‌های آشکار و نهان جریان دارد. مانند قبض و بسط نور در توالی شب و روز و در آفاق مختلف و فصول سال و نیز تغییرات تدریجی و کمی و کیفی آب در حد مخصوص، جزر و مد دریاها، اقیانوس‌ها و رودخانه‌ها؛ به این صورت که، ناگاه بسط می‌یابد و به صورت بخار در می‌آید و یا در جهت مقابل، به صورت یخ. در هر حال بیابان‌زایی و خشک‌سالی و پدیده‌ی گرد و غبار نیز نتیجه‌ی قبض است (رشیدی، ۱۳۸۹، ج ۱)؛ و **دیگر علت**، تغییر آب و هوایی که در واقع؛ عبارت از تغییری است در آب و هوا که منشأ آن به صورت مستقیم یا غیرمستقیم ناشی از فعالیت‌های بشری و تحت‌عناوین مختلف از جمله اجرای طرح‌های عمومی و عمرانی و مانند اینها انجام می‌گیرد. بدین عبارت که دخل و تصرف‌های غیر خردمندانه‌ی بشر باعث متغیر نمودن ترکیب جو جهان شده است؛ و این امر البته جدا از تغییرات طبیعی آب و هوایی است که در دوره‌های زمانی مختلف و متناوب پدید می‌آید. (بند ۲ ماده ۱ کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد تغییرات آب و هوا (تغییرات اقلیمی) نیویورک - ۱۹۹۲ (۱۳۷۱ ه. ش). این عامل نیز در هنگام بروز قبض در طبیعت، مزید بر علت می‌گردد و بر شدت سرعت فرآیند بیابان‌زایی و پدیده‌ی گرد و غبار که یک **تغییر و تحول اقلیمی ناگواری** را خبر می‌دهد، می‌افزاید.

### اهمیت تالاب‌ها در ادبیات حقوقی معاصر

شناخت بشر در باره‌ی طبیعت و جهان پیرامون در حال گسترش است. این شناخت در قلمرو تالاب‌ها نیز افزون یافته و عقلای جهان دریافته‌اند که تالاب‌ها مانند یک موجود زنده، دارای یک نظام اکولوژی ویژه‌ای است که خداوند متعال قوانین خاصی را برای آن در جهت پیدایش و انتشار و کنترل حیات در طبیعت قرار داده است. در تفسیر رازی آمده است که «اول ما خلق الله الماء<sup>۳</sup>: یعنی نخستین چیزی که خدا آفرید آب بود»؛ که در واقع تمامی پدیده‌ها از آن ریشه گرفته‌اند؛ زیرا بذر نخستین موجود زنده تنها از آب پاشیده شد، همان بذر اولیه‌ای که به صورت حیوان ساده‌ی تک سلولی (آمیب<sup>۴</sup>) شکل گرفت و به سوی جان‌دارانی که اعضای پیچیده با بیش از یک میلیون سلول پیش رفت کرد. اوپارین و فسنکف دانشمندان شهیر اتحاد جماهیر شوروی سابق نیز وجود آب را برای پیدایش و انتشار حیات در عالم ضروری می‌دانند و از رو می‌نویسند: «در دومین قدم، وجود آب ضروریست تا ذرات آلبومینوئیدی پراکنده‌ی در آن به هم پیوسته به صورت قطرات کوآسروا در آیند. به طور یقین این فنومن نه تنها در آب بی‌کران اقیانوس‌ها امکان‌پذیر است، بلکه در **مرداب‌ها و تالاب‌های کوچک** که به نحوی از انحا تخته سنگ‌های اولیه

<sup>۳</sup>. تفسیر فخر رازی، ج ۲۴، ص ۱۶.

<sup>۴</sup>. آمیب (*Amoeba*): جانور تک‌یاخته‌یی که جزو ریشه‌ی پایین (آمیبی‌ها) و شکل نامشخصی دارد که پیوسته در تغییر است. آمیب قادر به هضم و جذب و دفع غذا و همچنین تنفس و حرکت است و با تقسیم سلولی تولید مثل می‌کند. ن.گ. دولت‌آبادی (حسن): فرهنگ محیط زیست (انگلیسی - فارسی)، تهران، انتشارات فرهنگ معاصر، چاپ دوم، ۱۳۸۷، ص ۱۵.

را مرطوب می‌نمایند ظهور می‌کند. ۵». اما چگونگی پیدایش حیات در آب اقیانوس‌ها، دریاها و باتلاق‌ها از نکات مبهمی است که هنوز علم تجربی به طور یقینی بدان دست نیافته است. و از حصوله ی این مقال نیز خارج است. لیکن اهمیت تالاب‌ها در عصر حاضر به این سبب است که بشر دریافته که تالاب‌ها فواید حیاتی و اساسی برای حفظ محیط زیست بشر دارد. و لذا لغت تالاب در ادبیات **حقوق بین الملل تالاب‌ها**، مفهوم سنتی خود را از دست داده است و در چهره و لباس نو خود را نمایان ساخته است. و دانش بشری به این موضوع نیز آگاهی یافته است که فلسفه ی آفرینش تالاب‌های طبیعی، مشتمل بر علل متعددی است. امروزه بشر پی برده است که تالاب‌ها با حیات موجودات زنده اعم از انسان‌ها، حیوانات و گیاهان در یک چرخه و زنجیره ی حیاتی قرار دارد. یعنی یک ارتباط زنجیره ای لازم و ملزوم و متقابلی با هم دیگر دارند که اگر یک حلقه از این زنجیره ی طلاپی قطع و مفقود گردد؛ بتدریج حیات بشری نیز دچار فروپاشی خواهد شد. زیرا **مکانیسم تالاب‌ها** در جهت کاهش کردن رواناب و فرسایش خاک و باد، ایجاد زیستگاه مناسب حیات وحش، کنترل کننده ی سیل و سیلاب، تعدیل و تلطیف کننده ی هوا، افزایش دهنده ی رطوبت زیرسطحی و ابزار طبیعی برای تغذیه و تخلیه ی آب‌های زیرزمینی، محل مناسب شکار، وسیله‌ای طبیعی برای افزایش کیفیت آب و کاهش دهنده ی رسوبات در رودخانه‌ها و انهار و نگاه‌دارنده ی مناسب رسوبات و آورد رودخانه‌ها و ... آفریده شده است. از این رو اهمیت حفاظت از تالاب‌ها و حفظ و تأمین حلقه ی طبیعی و حقیقی تالاب‌ها یک **مصلحت** و نیز یک **ضرورت فوری** و فوق العاده برای حفظ جان و مال مردم و جامعه ی بشری است که بر اهمیت توجه به آن می‌افزاید. (بند ح ماده ی ۶ قانون شکار و صید مصوب ۱۳۴۶/۳/۱۶).

### رابطه ی تالاب‌ها با چرخه ی هیدرولوژیکی و آب

کنکاش درباره ی تالاب‌ها، که یکی از منابع آبی و در ردیف آب‌های سطحی به شمار می‌رود، کاری است گسترده که نیازمند حوصله ی فراوانی است؛ زیرا مطالعه درباره ی آب که خود جزئی از شبکه چرخه‌ای جهانی، به نام چرخه ی هیدرولوژیکی یا چرخه ی آب، به‌شمار می‌رود، باید با نگاهی عمیق و جست‌وجوگر انجام شود. دانشمندان در باب چرخه ی آب که شب و روز در جریان است، گفته‌اند که چرخه ی آب، بدون هزینه و در طول مسیرش آب را برای مصارف متعددی گردآوری، پالایش و توزیع می‌کند. حرکت این چرخه ی بسیار مهم، از تبخیر و بارش تأمین می‌شود. تبخیر وقتی صورت می‌گیرد که مولکول‌های آب از آب‌راه‌ها و دریاچه‌ها، از زمین و از گیاهان برمی‌خیزند و در هوا به حالت تعلیق درمی‌آیند. وقتی مولکول‌های آب از آن جدا می‌شوند، ناخالصی‌هایی از خود بر جای می‌گذارند. به این ترتیب، آب تبخیر شده، بدون آلودگی است؛ تا وقتی که با آلاینده‌های ناشی از اتومبیل‌ها، کارخانه‌ها و منابع طبیعی درآمیزند. در گیاهان، تبخیر آب از برگ‌ها به کشیده شدن آب محلول در مواد غذایی از ریشه‌ها از طریق ساقه کمک می‌کند، در جو، آب به صورت قطره‌های ریز، به نام بخار آب، به حالت تعلیق درمی‌آید. مقدار رطوبت، یا بخار آبی که هوا می‌تواند نگه دارد به دما بستگی دارد. هر چه هوا گرم‌تر باشد، مقدار رطوبت بیش‌تری را می‌تواند در خود نگه دارد. ۶. از این مباحث این امر استفاده می‌شود که مقوله ی آلودگی هوا ۷ نمی‌تواند از تأثیر منفی و مضر آن در تالاب‌ها جدا باشد؛ زیرا یکی از ارزش‌های تالاب‌ها تعدیل و تلطیف هوا است. همچنین نمی‌توان تأثیر سوء باران‌های اسیدی بر روی تالاب‌ها و گیاهان و آبزیان و حیوانات و خاک و

۵. اوپارین و فسنگف: پیدایش و انتشار حیات در عالم، ترجمه ی دکتر نورالدین فرهیخته، تهران، انتشارات دهخدا، چاپ دوم، فروردین ماه ۱۳۵۱، ص ۴۱.

۶. چیراس (دانیل دی.): علوم زیست محیطی، ترجمه ی محمدرضا داهی و بهرام معلمی، ص ۳۰۱.

عرصه‌ی آن را که ناشی از آلودگی هوا است نادیده گرفت. آلودگی زمین ۸ تالاب‌ها ناشی از آلودگی هوا نیز می‌تواند ایجاد شود؛ زیرا آلودگی هوا عبارت است از وجود و پخش یک یا چند آلوده‌کننده اعم از جامد، مایع، گاز، تشعشع پرتوزا و غیرپرتوزا در هوای آزاد به مقدار و مدتی که کیفیت آن را به طوری که زیان‌آور برای انسان و یا سایر موجودات زنده و یا گیاهان ویا آثار و ابنیه باشد تغییر دهد (ماده‌ی ۲ قانون نحوه‌ی جلوگیری از آلودگی هوا مصوب ۱۳۷۴/۲/۳). در هر حال بخار متصاعد شده از تالاب‌ها سبب می‌گردد که توفان‌های شن صحاری و کویر را در بطن خود ببلعد. یکی از اثرات سوء از کار افتادن این مکانیسم، بروز پدیده‌ی ناگوار و بسیار خطیر گرد و غبار (ریزگردها) است که عملاً غیر قابل کنترل است و بی‌تردید آثار زیان‌بار خود را به بار خواهد آورد از این‌رو حقوق تالاب‌ها از یک سو یکی از مسائل مشترک در منابع آب است و از سوی دیگر یکی از مسائل مشترک در محیط زیست به شمار می‌رود.

### رابطه‌ی تالاب‌ها با آب‌های زیر زمینی

منشأ آب‌ها، اعم از زیرزمینی و سطحی، نزولات ۹ آسمانی؛ یعنی شبنم، تگرگ، باران و برف است که قسمتی از آن‌ها به اعماق زمین نفوذ می‌کند و آب‌های زیرزمینی را به وجود می‌آورند، و قسمی دیگر در سطح زمین جاری شده و انهار و رودخانه‌ها و تالاب‌ها را تشکیل می‌دهند و قسم دیگر، با بخار شدن به سوی جو و اتمسفر برمی‌گردد. عمق سطح آب‌های زیرزمینی در مناطق مختلف متفاوت است. در نواحی مجاور دریا یا نوار ساحلی و انتهای رودخانه‌ها و نزدیک تالاب‌ها، بسیار به سطح زمین نزدیک می‌شود؛ در حالی که در مناطق دیگر ممکن است به چندین ده متر برسد. عمق این سطح در مطالعات مربوط به انتخاب محل پروژه‌های عمرانی از قبیل ساختمان‌های مرتفع، سدها و تونل‌ها تعیین می‌گردد و تغییرات فصلی آن مورد بررسی و مطالعه قرار می‌گیرد. عمق سطح آب‌های زیرزمینی تابع میزان بارندگی و برداشت آب از آبخوان ۱۰ یا سفره‌ی آب زیرزمینی می‌باشد. منظور از آبخوان، آب‌هایی است که به زمین نفوذ می‌کنند و حرکت خود را به طرف پایین تا رسیدن به لایه‌ی نفوذناپذیر ادامه می‌دهند. قرارگیری این آب‌ها بر روی لایه‌ی غیرقابل نفوذ، مثل خاک رس یا سنگ شیل و تجمع آن‌ها درون لایه‌های متخلخل ۱۱ و نفوذپذیر مانند لایه‌های شن و ماسه و یا ماسه سنگ‌های دارای درز و شکاف که روی لایه‌ی غیرقابل نفوذ قرار گرفته‌اند، موجب تشکیل آبخوان یا سفره‌ی آب زیرزمینی می‌شود. تغییرات سطح مذکور با توجه به شرایط زمین‌شناسی موجود در محل ممکن است به نشست زمین ۱۲ منجر گردد. بنابراین با توجه به سه عنصر شرایط آب و هوایی، ویژگی‌های زمین‌شناسی و توپوگرافی بین رودخانه‌ها و آب‌های زیرزمینی به صورت‌های مختلف یک ارتباط خاصی دیده می‌شود؛ یعنی این ارتباط به سه صورت زیر وجود دارد ۱۳:

۱- **تغذیه‌ی رودخانه‌ها و تالاب‌ها توسط آب زیرزمینی** : و آن در صورتی است که سطح آب‌های زیرزمینی بالاتر از سطح آب رودخانه و تالاب قرار داشته باشد؛ لذا آب زیرزمینی می‌تواند رودخانه و تالاب را تغذیه کند، که در این صورت دبی یا آبدهی

---

#### 8. Land pollution.

۹. ن.گ. قبادی (دکتر محمدحسین): زمین‌شناسی مهندسی ویژه‌ی دانشجویان عمران، اهواز، انتشارات دانشگاه شهید چمران، چاپ پنجم، ۱۳۸۴، صص ۱۲۹، ۱۳۰. دهخدا، مدخل نزولات.

#### 10. Aquifer.

۱۱. متخلخل اجزا؛ جسمی که میان اجزای آن فاصله باشد. شیئی که خلل و فرج داشته باشد (ن.گ. دهخدا، مدخل متخلخل).

#### 12. Subsidence area.

۱۳. ن.گ. قبادی (دکتر محمدحسین): زمین‌شناسی مهندسی ویژه‌ی دانشجویان عمران، ص ۱۲۹.

رودخانه ۱۴ افزایش می‌یابد. چنین رودخانه و تالابی را آبزا یا آبد، آبناک و سفره‌ی آب می‌گویند. یک رودخانه در طول مسیر خود در قسمت‌هایی ممکن است آبزا باشد.

**۲- تغذیه‌ی آب زیرزمینی توسط رودخانه و تالاب:** و آن در صورتی است که سطح آب‌های زیرزمینی پایین‌تر از سطح آب رودخانه و تالاب قرار داشته باشد. رودخانه و تالاب می‌تواند، آب زیرزمینی را تغذیه کند. در این صورت دبی یا آبدهی رودخانه کاهش می‌یابد. چنین رودخانه‌ای را آبخور نامند. یک رودخانه در طول مسیر خود در قسمت‌هایی می‌تواند آبخور باشد.

**۳- تغذیه‌ی متقابل:** در زمان تغذیه‌ی متقابل از یک طرف به علت بالا بودن سطح آب‌های زیرزمینی، رودخانه بر اثر آب زیرزمینی تغذیه می‌شود و از طرف دیگر با توجه به بالا بودن سطح آب رودخانه نسبت به سطح آب‌های زیرزمینی، آب رودخانه وارد آب زیرزمینی می‌گردد. این شرایط به علت وضعیت زمین‌شناسی در بعضی از دره‌های رودخانه‌ای به وجود می‌آید. علاوه بر مطالب پیش گفت، در مطالعات مهندسی معلوم شده که پاره‌ای از قنوت، آب مرداب‌ها و برکه‌ها را که از مصادیق و انواع تالاب‌ها به شمار می‌روند؛ به نقاط مورد مصرف آب منتقل می‌کنند. این‌گونه قنوت را «قنوت چندمنظوره» می‌نامند. کاربرد این‌گونه قنوت در مواردی است که اراضی مرداب‌ها یا برکه‌ها برای کشت مورد نیاز باشد یا آب آن‌ها بتواند برای مصرف کشاورزی و احتمالاً شرب، آن هم در جاهایی که نزدیک به آن منابع واقع شوند، مصرف شوند و یا گسترش سال به سال مرداب‌ها یا برکه‌ها در صورت عدم تخلیه‌ی آب آن‌ها پیش‌بینی شود؛ مثلاً قنات جدیدالاحداث میانگران در کنار تالاب میانگران واقع در شهرستان ایذه‌ی استان خوزستان که توسط شرکت مهندسی مشاور تهران بُسْتَن، مطالعه شده و مُجری آن دفتر عشایر شهرستان ایذه است، از این نوع قنوت به شمار می‌رود. رابطه‌ی آب‌های زیرزمینی با تالاب‌ها محصور در محدوده‌ی قنوت چند منظوره نیست؛ بلکه مصرف غیرمعمول از آب‌های زیرزمینی خود یکی از عوامل و چالش‌های مهم در رابطه با انهدام تالاب‌ها به شمار می‌رود. از این‌رو نظام آبرسانی و بهره‌برداری از آب‌های زیرزمینی که به شکل سنتی و مطابق مقررات قانون توزیع عادلانه‌ی آب صورت می‌پذیرد، باید با تدوین قوانین نوین دگرگون ساخت. در هر حال به نظر می‌رسد با احداث یک چاه مادر و مخازن متعدد و تونل مخصوص در هر منطقه و دشت می‌توان به اهداف بلند مدت ذخیره‌ی جدی آب و آبرسانی به مردم مناطق مذکور و اِعمال نظارت استصوابی به مفهوم درست و واقعی آن دست یافت. در هر صورت دانشمندی که درباره‌ی برداشت اضافی از آب‌های زیرزمینی مطالعه می‌کند به خوبی در خواهد یافت که یک حلقه از علت خشک شدن یا کم آب شدن تالاب‌ها را مورد شناسایی قرار داده است. از این‌رو به مثابه‌ی یک کارشناس و مشاهده‌ورز خبره، آثار برداشت اضافی از آب‌های زیرزمینی و بهره‌برداری مفرط از منابع آب موجود که می‌تواند به پیامدهای وخیم و درازمدتی در اکوسیستم تالاب‌ها و محیط‌زیست انجامد، معرفی نماید. چنان‌که دانشمندان گفته‌اند: آثار سلبی برداشت مفرط و اضافی از آب‌های زیرزمینی در نواحی ساحلی، می‌تواند به نفوذ آب شور، راه یافتن آب شور از لایه‌های سفره‌های آب دریایی به آبخیزهای آب شیرین منجر شود؛ بنابراین وقتی از چاه‌های آب شیرین، با سرعت و شتابی بیش‌تر از آن برداشت شود که بتوان آن را جای‌گزین کرد، سفره‌های زیرزمینی آب شیرین (آبخیزها) به تدریج تحلیل خواهند رفت. آب شور از اقیانوس به داخل چاه‌ها راه پیدا می‌کنند، و آن‌ها را می‌آلایند. برکه‌ها، آبگیرها، و آب‌های جاری (رودخانه، نهر) مکان‌هایی هستند

#### 14. Discharge.

۱۵. ن.گ. قبادی (دکتر محمدحسین): زمین‌شناسی مهندسی ویژه‌ی دانشجویان عمران، صص ۱۲۹، ۱۳۰. دهخدا، مدخل آبخور.
۱۶. بهنیا (دکتر عبدالکریم): قنات‌سازی و قنات‌داری، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ اول، ۱۳۶۷، ص ۶۱. سازمان آب و برق خوزستان، بررسی منابع آب شهرستان ایذه، ۱۳۵۹ ه.ش.

که فصل مشترک سفره‌های آب زیرزمینی را با آب سطحی مشخص می‌کنند. پاره‌ای از دانشمندان برکه‌ها را «آب زیرزمینی بی‌حفاظ» نامیده‌اند. به علت این تلقی است که اضافه برداشت آب‌های زیرزمینی، مرداب‌ها و برکه‌ها را هم خالی می‌کند و گاهی هم آن‌ها را به طور کامل خشک می‌کند<sup>۱۷</sup>. و آنگهی تالاب‌ها وسیله‌ی تغذیه و تخلیه آب‌های زیرزمینی است، که یکی از ارزش‌های آن به شمار می‌رود. طبق گزارش علمی تحقیقی دانشمندان مزبور، ماهیان، حیات وحش و فعالیت‌های تفریحی از این رهگذار غالباً تحت تأثیر قرار می‌گیرند. بیرون کشیدن اضافی آب‌های زیرزمینی چشم‌اندازهای درازمدت کشاورزی آبی را نیز در ایالات متحده با خطر مواجه کرده است. چنان‌که معلوم شده که متجاوز از ۸۱۰۰۰ هکتار زمین زراعی که در آن‌ها ذرت کشت می‌شده، از سال ۱۹۷۷ م. به جهت تخلیه‌ی آب‌های زیرزمینی از مدار تولید خارج شده است. پیش‌بینی شده بود که تا سال ۲۰۰۰ م.، تکزاس نیمی از زمین‌های آبی خود؛ یعنی ۱/۲ میلیون هکتار، را از دست خواهد داد. این موضوع مختص ایالات متحده‌ی آمریکا نبوده بلکه اضافه برداشت آب‌های زیرزمینی سبب شده است که سطح آب زیرزمینی در کشورهای چین و هند نیز، که پرجمعیت‌ترین کشورهای جهان است، افت کند. از نظر دانش هیدرولوژی، آب‌های زیرزمینی منغذهای خاک را پر می‌کند و به این ترتیب تکیه‌گاه زمینی قرار می‌گیرد که بر فراز سفره‌ی آب قرار گرفته است. وقتی آب برداشت می‌شود، خاک متراکم می‌شود و فرو می‌نشیند، که به این فرایند «فرو نشستگی» یا «نشست خاک» می‌گویند. چشم‌گیرترین نمونه‌های نشست خاک در ایالت فلوریدا و سایر ایالت‌های جنوبی آمریکا اتفاق افتاده است، که در آن‌جا تخلیه‌ی آب زیرزمینی حفره‌های فرونشستی عظیمی را ایجاد کرده که قطرشان به ۱۰۰ متر و عمقشان به ۵۰ متر می‌رسد. عظیم‌ترین حفره‌ی فرونشستی در منطقه‌ی درونیتز پارک در ایالت فلوریدا ناگهان پدید آمد و قسمتی از استخر شنای منطقه‌ی مزبور، بخشی از دو مرکز تجاری، یک خانه و چندین اتومبیل را فرو بلعید، و مصداق *فَجَعَلْنَا عَلَیْهَا سَافِلًا*...<sup>۱۸</sup> گردید. علت این واقعه تخلیه‌ی آب‌های زیرزمینی منطقه بوده است. نشست خاک در نواحی وسیعی از دره‌ی سن‌یواخین کالیفرنیا پیش آمده و منجر به وارد آمدن آسیب‌هایی به خطوط لوله، راه‌های آهن، بزرگ‌راه‌ها، خانه‌ها، کارخانه‌ها، و نهرها و کانال‌ها شده است. در جنوب شرقی فونیکس، بیش از ۳۰۰ کیلومتر مربع زمین به عمقی بیش‌تر از ۳ متر فرو نشسته و علت آن هم برداشت مفرط آب زیرزمینی بوده است. در آن‌جا شکاف‌های عظیمی، به ابعادی حدود ۳ متر عرض، ۳ متر عمق و ۳۰۰ متر طول، تشکیل شده است<sup>۱۹</sup>. در حقوق آب ایران نیز ایجاد تعادل بین تغذیه و برداشت سفره‌های آب زیرزمینی در دشت‌های با تراز منفی، یکی از سیاست‌های دولت است که باید با مدیریت خردمندانه به اجرا در آید. چنان‌که بند ب ماده‌ی ۱۷ قانون چهارم توسعه مقرر می‌دارد: «... دولت مکلف است با تجهیز منابع مالی مورد نیاز و تمهیدات سازه‌ای و مدیریتی، مجوزهای بهره‌برداری در این دشت‌ها را براساس مصرف معقول [موضوع ماده‌ی (۱۹) قانون توزیع عادلانه‌ی آب] که با روش‌های نوین آبیاری قابل دسترس است، اصلاح نماید؛ به طوری که تا پایان برنامه‌ی چهارم تراز منفی سفره‌های آب زیرزمینی بیست و پنج درصد (۲۵٪) بهبودیابد».

۱۷. چیراس (دانیل دی.): علوم زیست‌محیطی، ترجمه‌ی محمدرضا داهی و بهرام معلمی، صص ۳۰۱ - ۳۰۵.

۱۸. یعنی شهر را زیر و زبر کردیم. ن.گ. قرآن مجید، سوره‌ی الحجر (۱۵)، آیه‌ی ۷۴، ترجمه‌ی عبدالمحمد آیتی، ص ۲۶۷.

۱۹. چیراس (دانیل دی.): علوم زیست‌محیطی، ترجمه‌ی محمدرضا داهی و بهرام معلمی، صص ۳۰۵ به بعد.

## مبانی حقوقی حفاظت از تالاب‌ها

منظور از منابع حقوق تالاب‌ها<sup>۲۰</sup>، صورت‌های ایجاد قواعد حقوق تالاب و به عبارت دیگر، منابع قدرت وضع قواعد حقوقی تالاب‌ها است. می‌دانیم که هر موجودی ماده و صورتی دارد که بدون آن دو، به هستی نمی‌آید<sup>۲۱</sup>. تالاب‌ها نیز از این قاعده‌ی فلسفی مستثنا نیستند، چه فعلیت هر تالابی، از اجتماع آب و خاک و هوا و موجودات و گیاهان و پرندگان و آبریان آن تالاب حاصل می‌شود و مقابل آن ماده است. به هر رو ماده، جوهری است جسمانی که تحقق و فعلیت آن به صورت و محل توارد صورت‌های پی‌درپی می‌باشد. به هر حال ماده به امری که قابل تبدیل به چیزی دیگر باشد گفته می‌شود. مانند آب تالاب که ماده‌ی هواست به اعتبار آن که قابل تبدیل به هواست. «الماده لاتتكون بما هی ماده بل اذ كانت ماده متكونه فمن جهة ما هی مركبه من ماده و صوره». ماده در این جا بر اجزای وجودی و ترکیب‌کننده و به وجود آورنده‌ی تالاب اطلاق می‌شود. حقوق تالاب‌ها هم به مانند اشیا، ماده و صورت ویژه‌ی خود را دارد.

### منابع ماهوی و صوری حقوق تالاب‌ها

ماده‌ی حقوق تالاب‌ها همانا منابع ماهوی حقوق تالاب‌ها است که عبارتند از عقل، عدل (انصاف) و مصالح انسان در جامعه. از ترکیب این سه عنصر اصلی، همواره قوانین اساسی و عادی و عهد نامه‌ها و کنوانسیون‌های بین‌المللی مربوط به آب، تالاب، خاک و محیط زیست که از منابع صوری (شکلی) محسوب می‌شود، به وجود می‌آیند. چنان که اصول **یک - دلیل عقل و بناء عقلا**: دو مقوله‌ی عقل و بناء یا سیره و طریقه‌ی عقلا از منابع ماهوی حقوق تالاب‌ها و محیط زیست محسوب می‌شوند. مراد از عقل همان خرد و دانش و دریافت آدمی است که خداوند سبحان آن را در نهاد وی به ودیعت گذاشته است و از آن گریزی نیست؛ زیرا این قوه‌ی ادراک سبب می‌گردد که آدمی صفات اشیا را از حُسن و قُبْح و کمال و نقصان و خیر و شر تشخیص دهد؛ به عبارت دیگر آدمی به سبب این قوه به مطلق امور عالم، علم پیدا کرده و از جهل‌رهایی می‌یابد؛ زیرا عقل قدرت و نیرویی است که مُمیز قبیح از حَسَن بوده و به سبب آن معانی و مفاهیم اشیا پیرامون و علوم در ذهن انسان مجتمع می‌گردد. عقل وادارکننده‌ی انسان به نیکی و صلاح و بازدارنده‌ی او از شر و فساد می‌باشد. استفاده از عقل و استمرار عمل و روش و سلوک عملی و **عمومی عقلاء** و خردمندان بر انجام دادن یا ترک کاری بدون دخالت و تأثیر عوامل زمانی، مکانی، نژادی، دینی و گروهی (مظفر، ج ۲، ص ۱۵۳؛ ولایی، ص ۲۴۳؛ فیض، ص ۲۰۳؛ جعفری لنگرودی، ۱۳۷۵، ش ۲، ص ۶۰). مانند تحقق ملکیت با حیازت. (من حاز ملک) یعنی هر کسی حیازت کند مالک می‌شود. مانند حیازت از آب رودخانه و امثالهم. محمد حسین اصفهانی، مؤلفِ فصول (ص ۶۶، ۲۷۱، با تعبیر «تَفَق اهل العقل») نیز در مواردی از جمله در بحث دلالت امر بر وجوب، به سیره و بنای عقلایی تمسک کرده است. توقف سد سازی برای حفاظت از محیط زیست در واقع بنای عقلا یا سیره و طریقه‌ی عقلای بشری است که در موضوع مورد بحث ما سیره و بنای عقلا حکم می‌کند که قطع یا کم شدن حقابه‌ی تالاب‌ها در اثر سد سازی و یا در اثر انتقال آب بین حوضه‌ی نوعی نقض عهد و پیمان بین دولت و ملت به شمار می‌رود و مرتکب آن مستحق ملامت و مذوم است. دولت عهد بسته است که از ورود ضرر به عامه‌ی مردم جلوگیری کند و آسایش و امنیت و سلامت مردم را مورد حمایت قرار دهد. ما می‌دانیم که بسیاری از سدهای ساخته شده در کشورهای در حال توسعه در درازمدت از تأمین آب برای

<sup>۲۰</sup> کاتوزیان (دکتر ناصر): مقدمه‌ی علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران، تهران، ش. ۹۳ - ۹۴.

<sup>۲۱</sup> جعفری لنگرودی (دکتر محمدجعفر): دوره‌ی متوسط شرح قانون مدنی (حقوق اموال)، تهران، کتابخانه‌ی گنج دانش، چاپ سوم، ۱۳۷۳، ش. ۴، ص ۳.

آبیاری زمین‌های کشاورزی باز می‌مانند. وفق مطالعات انجام یافته در کشورهای غربی معلوم شده است که در اغلب موارد، زمین‌های بالا دست سدهای پُر هزینه و نیز دامنه‌ی تپه‌ها برای کاشت درخت، نواربندی شده‌اند یا چرای مفراط، آن قدر آن‌ها را از پوشش گیاهی ضعیف کرده است که وقتی باران ببارد مقادیر زیادی خاک از طریق مسیل‌ها به **مخازن سدها** (تالاب‌های ساخت بشر) حمل می‌کند و طوری خواهد شد که در مدت کوتاهی **عُمر مفید سدها** به سر خواهد آمد. در کشورهای پیشرفته نیز نمونه‌های فراوانی از **کوتهنظری و عدم تفکر** نسبت به عواقب امور در استفاده از زمین با توجه به قابلیت آن، وجود دارد. ساخت شهرک‌ها، شهرها، و فرودگاه‌ها در زمین‌های مرغوب کشاورزی، **احداث خانه در دشت‌های سیلابی** و کشت و کار در دامنه‌های پُر شیب نمونه‌هایی از این دست هستند. از موارد دیگر می‌توان ساختن خانه در اراضی مرطوب و کنار تالاب‌ها و باتلاق‌ها و احداث کارخانه در جایی را برشمرد که باد از آن سمت به شهر یا شهرک‌ها می‌وزد. به هر رو، استفاده از زمین با توجه به قابلیت آن به دولت‌ها امکان می‌دهد که از زمین به بهترین شکل بهره‌گیرند. مقررات بهره‌برداری از زمین مشخص می‌کند که مردم کجا می‌توانند زندگی کنند یا به کسب و کار بپردازند؛ از کجا می‌توان لوله‌های آب، خطوط انتقال فشار قوی و متوسط و ضعیف برق، و جاده را عبور داد؛ آیا می‌شود جاده‌ای را از وسط تالابی عبور داد؟ **ارزیابی زیست محیطی** آن و مطالعات جانبی که بر مبنای علمی و تعقل و اندیشه است، انسان را به چه چیزی رهنمون می‌سازد؟ آیا عبور خطوط نفت یا برق از تالاب امکان‌پذیر است؟ و خطرات آلودگی را در بر نخواهد داشت؟ و اصولاً در کجا می‌توان مراکز تجاری ساخت که کم‌تر زیان وارد شود. **قابلیت اراضی** همچنین می‌تواند در مورد تعیین و حفظ زمین‌های کشاورزی و زمین‌های بستر متروکه‌ی رودخانه‌ها و عرصه‌ی تالاب‌ها و اراضی مستحدثه‌ی ساحلی، نواحی تفریحی، تالاب‌ها، نواحی پُر ارزش از لحاظ علمی، آب‌خوان‌ها، آب‌خیزداری‌ها و زیستگاه‌های وحش به کار گرفته شود. وقتی بنا باشد که **زمینی** برای کار خاص اختصاص یابد، نقشه‌ی کاربری زمین، شیب، کیفیت، زه‌کشی خاک و محل زیست وحش، و بسیاری از ویژگی‌های دیگر را مورد توجه قرار می‌دهد. این امر به برنامه‌ریزان و مسئولان توسعه اجازه می‌دهد که به جای آن که **طبیعت** را از نو طراحی کنند همراه با طبیعت طرح‌ریزی کنند. تحقیقات و پژوهش‌های علمی در جهان معاصر نشان می‌دهد که **تعیین کاربری اراضی**، وقتی به خوبی اجرا شده باشد، عامل یاری دهنده‌ای است برای رسیدن به ارتباطی پایدار با کره‌ی زمین. **نقشه‌های قابلیت اراضی** می‌تواند اساس تمدن‌های فردا، **منابع تجدیدشدنی** از قبیل زمین‌های کشاورزی، مراتع، جنگل‌ها، نواحی پرورش ماهی در استخرها و تالاب‌ها، و گونه‌های وحش را حفاظت کند؛ بنابراین، **تعیین قابلیت اراضی به صورت پایدار**، از بهره‌گیری غیرضروری از سیستم‌های طبیعی می‌کاهد و خود اتکایی محلی را تقویت می‌کند. مطالعه در روش کشورهای پیشرفته مانند ژاپن، فرانسه، هلند، آلمان شرقی سابق و ایالات متحده‌ی آمریکا نشان می‌دهد که آنان مدل یا مدلهایی را طراحی و اجرا کرده‌اند تا از **پیشرفت غیرعقلایی شهرها** جلوگیری کنند و نسبت به توسعه‌ی روستاها و حفاظت از زمین‌های کشاورزی و پیش‌گیری از بلعیده شدن زمین‌های کشاورزی و یا سایر محل‌هایی که از لحاظ **اکولوژی** مهم‌اند، اهتمام ورزیده‌اند.<sup>۲۲</sup>

در یک صد سال گذشته بسیاری از **نخلستان‌های** کشورهای **خاورمیانه** به خانه‌سازی تبدیل شده و این تغییرات در وضعیت آب و هوای منطقه تأثیر منفی به جا گذاشته است.

**دو - عدل و انصاف**<sup>۲۳</sup>، **عدل**<sup>۲۴</sup> در معنی عام خود عبارت است از این که هر چیزی را اعم از مادی و یا معنوی در موضع شایسته و مناسب آن بگذارند. اگر فعلی صورت می‌دهند در جای خود باشد، اگر کاری را ترک می‌کنند به جا و به موقع باشد. همین معنی را قرآن تأکید کرده است.<sup>۲۵</sup> چنان‌که آیه‌ی ۵۸ از سوره‌ی نساء می‌فرماید:

<sup>۲۲</sup> . چیراس (دانیل دی): علوم زیست‌محیطی، ترجمه‌ی محمدرضا داهی و بهرام معلمی، صص ۷۶۸ - ۷۷۰.



«... وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ...» و چون میان مردم داوری می‌کنید، به عدالت داوری کنید ...»<sup>۲۶</sup>.

و نیز در آیه‌ی ۹۰ از سوره‌ی نحل می‌فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ...» در حقیقت خدا به دادگری و نیکوکاری... فرمان می‌دهد.

عدل ایجاب می‌کند که **حقوق اکتسابی** پایین دست در بهره برداری از آب رودخانه و تالاب‌ها حفاظت شود و **حقوق** ی آنها محترم شمرده شود و **انتقال آب از حوضه‌ی دیگر به حوضه‌ی دیگر** بدون در نظر گرفتن **حقوق اکتسابی** مذکور و بدون **ارزیابی زیست محیطی**، بر خلاف عدل و انصاف است و قانون و حقوق از چنین عملکردی حمایت نمی‌کند. چنان که حکومت ایران جمهوری اسلامی است که ملت ایران، بر اساس اعتقاد دیرینه‌اش به حکومت حق و عدل قرآن، عدل خدا در خلقت و تشریح و احیای حقوق عامه و گسترش عدل در قانون اساسی مورد تأکید و تصریح قرار گرفته است (اصول ۱ و ۲ و ۱۴ و ۱۴۷ و ۱۵۴ و ۱۵۶ قانون اساسی). بنابراین قوانین تالاب‌ها که زیر نفوذ عدالت و قاعده‌ی انصاف، وضع شده و همه‌ی جهات عدل و داد در آن رعایت شده است در درون خود نیروی الزامی عدالت را به همراه خواهد داشت.<sup>۲۷</sup>

**سه - مصالح جمع مصلحت است.** و ابوحامد غزالی در کتاب **المستصفی**<sup>۱</sup> فی علم الاصول جلد یکم خود در تعریف مصلحت می‌گوید: «مصلحت، عبارت است از جلب منفعت و دفع ضرر.» او این نظر را نپسندیده و نظر خود را چنین بیان می‌کند: «مصلحت عبارت است از تأمین هدف شارع. هدف شارع نیز عبارت است از مواظبت دین و حیات انسان و عقل و نسل و اموال» [۲۸]. بنابراین هر امری که متضمن حفظ این اصول خمرسه باشد در واقع مصلحت می‌باشد و هر امری که هر یک از این اصول خمرسه را فاقد باشد و از دست دهد مفسده تلقی می‌شود. [ابو حامد محمد بن محمد الغزالی، **المستصفی فی علم الاصول**، تحقیق محمد عبد السلام عبد الشافی، الناشر دار الکتب العلمیه، سنه النشر 1413، مکان النشر بیروت، ج ۱، ص ۱۷۳]. **اصل ۴۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران** که مقرر می‌دارد: «اصل انفال و ثروت‌های عمومی از قبیل زمینهای موات یا رها شده، معادن، دریاها، دریاچه، رودخانه‌ها و سایر آبهای عمومی، کوه‌ها، دره‌ها، جنگلها، نزارها، بیشه‌های طبیعی، مراعاتی که حریم نیست، ... در اختیار حکومت اسلامی است تا بر طبق **مصالح عامه** نسبت به آنها عمل نماید. تفصیل و ترتیب استفاده از هر یک را قانون معین می‌کند.» و نیز **اصل پنجاهم** مقرر می‌دارد: «در جمهوری اسلامی، **حفاظت محیط زیست** که نسل امروز و نسل‌های بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند، وظیفه‌ی عمومی تلقی می‌گردد. از این رو فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیر قابل جبران آن ملازمه پیدا کند، ممنوع است.» از **دلیل مصلحت** نشأت گرفته است. بنابراین حفاظت از منابع آبی، تقسیم و توزیع عادلانه‌ی آب، **حفظ حقایق طبیعی و لازم تالاب‌ها**، جلوگیری از ورود پساب

---

24. **Justice**, n. (from Latin justitia righteousness) in **ETHICS** is rought synonymous with fairness. It applies in an economic sense where people compete for scarce resources, but also in human actions in general where these affect others. In a special sense it applies to the law and to its impartial treatment of those who come before it (like cases merit like judgment): **G Vesey and P. FOUIKES: CONLLINS DICTIONARY OF PHILOSOPHY**, First published, 1990, page 159.

<sup>۲۵</sup>. جعفری لنگرودی (دکتر محمد جعفر): مقدمه‌ی عمومی علم حقوق، تهران، کتابخانه‌ی گنج دانش، چاپ دهم، ۱۳۸۴، ش. ۱۲۶، ص ۳۴. شهبابی (محمود): ادوار فقه، ج اول، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ دوم، تابستان ۱۳۶۶، صص ۷ - ۸.

26. (... and that when you judge between people you judge with justice; ...).

<sup>۲۷</sup>. جعفری لنگرودی (دکتر محمد جعفر): مقدمه‌ی عمومی علم حقوق، ش. ۱۲۶، ص ۳۴.

<sup>۲۸</sup>. جعفری لنگرودی (دکتر محمد جعفر): دانش‌نامه‌ی حقوقی، تهران، مؤسسه‌ی انتشارات امیرکبیر، چاپ سوم، ۱۳۷۵، ج پنجم، ص ۳۴۲. محمدی (دکتر ابوالحسن): مبانی استنباط حقوق اسلامی، یا اصول فقه، صص ۲۲۷-۲۳۴. گرجی (دکتر ابوالقاسم): مقالات حقوقی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم، مهر ماه ۱۳۷۵، ج دوم، ص ۱۷. شارع، قانون‌گذار اسلامی است یعنی حق جل جلاله (خدا) و مصطفی (صلی الله علیه و آله و سلم) که واسطه تبلیغ اوامر الهی است.

های واحدهای بزرگ آلاینده‌گی در تالاب‌ها، و رودخانه‌ها و اراضی، مراقبت از جنگل‌ها و جلوگیری از صید غیرقانونی تالاب‌ها و امثالهم بر مبنای مصالح عمومی قرار دارد. از این‌رو است که دولت، مسئولیت رعایت مصالح عامه را بر عهده‌ی دارد. این مصالح مربوط به کشور و جامعه‌ی بشری است. اساس فلسفه‌ی قانون‌گذاری در حقوق اسلامی نیز بر محور رعایت مصالح و مفاسد است.